

معارف ائمه باید با زبان روز و فنی معرفی شوند



متن بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار اعضای هیات علمی کنگره جهانی حضرت رضا (علیه السلام) که چهارشنبه ۱۹ اردیبهشت ۱۴۰۳ برگزار شده بود، صبح روز دوشنبه در محل برگزاری این کنگره در مشهد مقدس منتشر شد.

به گزارش پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت‌الله العظمی سید علی خامنه‌ای، متن بیانات رهبر انقلاب بدین شرح است:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

اولاً تشکیل این کنگره و این گردهمایی کار بسیار خوبی است؛ چون ماها داخل جامعه شیعه؛ حالاً قبل از اینکه به دیگران برسیم - در زمینه معرفت ائمه نقایص زیادی داریم؛ گاهی به یک جنبه توجه شده با افراط و بدون اتقان، از جنبه‌های دیگر غفلت شده و گاهی حتی به همان هم توجه نشده، و به همین مسائل ظاهری و توجهات ظاهری و [مانند] اینها بسنده شده.

به نظر من ما به عنوان شیعه، به عنوان مجموعه اهل تشیع، یکی از وظایف بزرگ‌مان این است که ائمه خودمان را به دنیا معرفی کنیم. حالا بعضی از ائمه [علیهم السلام] مثل امام حسین (علیه السلام) و امیرالمؤمنین (علیه السلام) به دلایلی معرفی شده هستند؛ دیگران درباره‌شان نوشته‌اند، گفته‌اند و نوعی شناخت از آنها در دنیای غیرشیعه و حتی دنیای غیراسلام وجود دارد؛ لکن اکثر ائمه [علیهم السلام] ناشناخته‌اند. امام حسن مجتبی با آن عظمت ناشناخته است، حضرت موسی بن جعفر، حضرت هادی، امام جعفر صادق، با آن دستگاه عظیم و فعالیت فوق‌العاده، اینها در دنیا ناشناخته‌اند. اگر چنانچه درباره اینها حرفی هم گفته شده از غیرشیعه‌فرا از غیرشیعه که باشد، جنبه غیرفرقه‌ای پیدا می‌کند. خیلی قلیل و محدود است، حالا مثلاً فلان نویسنده عارف، در خلال عرفا اسم امام جعفر صادق را می‌آورد، مثلاً نیم صفحه یا کمتر درباره ایشان به عنوان یک فرد عارف و [مانند] اینها صحبت می‌کند؛ این [معرفی] در این حد است، بیشتر نیست.

من به نظرم می‌رسد راجع به زندگی ائمه [علیهم السلام] از سه بُعد باید کار بشود؛ یکی از آن بُعد معنوی و الهی، یعنی آن قداست؛ جنبه قداست ائمه [علیهم السلام]؛ از این نمی‌شود صرف نظر کرد؛ درباره این باید صحبت بشود، منتها متقن صحبت بشود. گاهی حرف‌هایی زده می‌شود، روایاتی به عنوان پیشینه آن حرف‌ها آورده می‌شود، [اما] حرف‌ها ضعیف است. ما باید جنبه ملکوتی ائمه [علیهم السلام]، جنبه معنوی و عرش‌ی ائمه را بیان کنیم؛ این جزء چیزهایی نیست که ما درباره‌اش بخواهیم تقیه کنیم یا مثلاً مخفی کنیم؛ نه، باید این جنبه معنوی و عرش‌ی ائمه را بگوییم؛ کما اینکه در مورد خود پیغمبر [گفته‌ام]، مسأله معصومیت‌شان، مسأله ارتباطات آنها با بخدای متعال، ارتباطات آنها با فرشته‌ها، اینهایی که هستند. ولایت آنها به آن معنای معنوی‌اش، اینها را باید بگوییم؛ از این جنبه باید یک کار عالمانه قوی خوبی انجام بگیرد.

جنبه دوم، جنبه کلمات و درس‌های اینها است. همین که آقایان هم به آن اشاره کردید. در زمینه‌های مختلف؛ در زمینه مسائل زندگی، مسائل گوناگون موردنیاز انسان؛ اخلاقیات، معاشرت، دین، احکام؛ ائمه ما حرف دارند، مکتب دارند [که باید] بیان بشود.

بعضی از این جنبه‌ها که ما خیلی هم به آن توجه نمی‌کنیم، در دنیا موضوعیت دارد؛ حالا مثلاً فرض کنید مسأله حمایت از حیوانات؛ شما نگاه کنید در روایات ما از ائمه، نسبت به مسأله رعایت حیوانات و حمایت از حیوانات چقدر بحث شده؛ این اگر چنانچه در دنیا مطرح بشود، گفته بشود، شناخته بشود، خوب یک چیز مهمی است. ببینید حالا چه کسی از ماها درباره این فکر می‌کند؟ کدام‌مان دنبال این قضیه هستیم؟ [یا موضوع] معاشرت‌ها، مضامینی که درباره ارتباط با غیرشیعه و غیرمسلمان هست؛ این همه در روایات ما در این زمینه به تبحر قرآن حرف هست؛ [مثل] «لَئِنَّمَا لَمَّا اللَّهُ عَنِ الَّذِينَ لَمْ يُقَاتِلُوكُمْ فِي الدِّينِ»؛ اینها حرف‌هایی است که تکرار کرده‌ایم و مکرر اینها را گفته‌ایم. اینها از میان کلمات ائمه باید بیان بشود و منتقل بشود.

خب، این همه ما کتاب داریم؛ یعنی مثلاً [بیشتر از] صد جلد کتاب است؛ و از این قبیل کتب فراوان است، اما اینها در یک محدوده خاصی هستند دیگر. یک شعری آن روز بنده خواندم؛

می‌نابی ولی از خلوت خُج

چو در ساغر نمی‌آیی چه حاصل؟

می‌ناب را باید آورد در ساغر تا قابل استفاده باشد؛ ولی در خُج مانده. این می‌ناب معارف زندگی ما که از ائمه آمده، همین‌طور در خُج مانده، سرش را هم خشت گذاشتیم. قدیم‌ها خشت می‌گذاشتند سر خم و می‌بستند. ما این جور [عمل] کرده‌ایم. این [جوری] نمی‌شود؛ این باید به زبان روز، به زبان فنی، با شیوه‌های درست به دنیا منعکس بشود. امروز دیگر ارتباط با دنیا کار آسانی شده؛ یعنی شما اینجا می‌نشینید و یک دکمه‌ای را فشار می‌دهید و ده دقیقه وقت صرف می‌کنید، در دوزترین نقطه عالم، در استرالیا، در کانادا، در آمریکا، در فلان جا، هر کس که شما بخواهید، حرف شما را می‌شنود. این خیلی چیز مهمی است. در این کار، از این شیوه باید استفاده بشود؛ منتها زبان مهم است؛ اینکه با چه زبانی می‌خواهید بیان کنید. این هم بخش دوم آن چیزی است که برای معرفی ائمه باید دنبال بشود.

بخش سوم، مسأله سیاست است؛ این همان چیزی است که بنده در آن [بررسی] سال‌های زندگی ائمه، عمدتاً این را دنبال می‌کردم که ائمه چه کار می‌کردند و چه کار می‌خواستند بکنند. بخش سیاست، بخش خیلی مهمی است. سیاست ائمه چه بود؟ اینکه امام با همه آن مقامات، با همه آن مرتبت الهی که دارد و امانت الهی که دستش هست، اکتفا کند به اینکه مثلاً یک مقدار احکام بگوید و یک مقدار اخلاق بگوید و مانند اینها، این به نظر اصلاً برای انسان وقتی که درست توجه کند قابل فهم نیست؛ آنها هدف‌های بزرگی داشتند. هدف عمده آنها هم ایجاد جامعه اسلامی [بود]؛ که ایجاد جامعه اسلامی بدون ایجاد حاکمیت اسلامی امکان‌ناپذیر نیست؛ پس دنبال حاکمیت اسلامی بودند. یک بُعد مهم امامت این است؛ امامت یعنی ریاست دین و دنیا، ریاست ماده و معنا. خب ماده‌اش عبارت است از همین سیاست و اداره کشور و اداره حکومت، و همه ائمه دنبال این بوده‌اند؛ یعنی بدون استثنا همه ائمه دنبال این بوده‌اند؛ منتها با شیوه‌های مختلف، در فصول مختلف، با روش‌ها و اهداف کوتاه‌مدت مختلف؛ [اما] هدف بلندمدت یکی بود.

من حالا راجع به حضرت رضا (سلام‌الله‌علیه)، بعد یک جمله‌ای عرض خواهم کرد. حالا مثلاً فرض کنید در زمان امام صادق (علیه السلام)؛ به حضرت مراجعه می‌شده که چرا قیام نمی‌کنید؛ مکرر در روایت داریم و

دیده‌اید دیگر که [می‌پرسیدند] چرا قیام نمی‌کنید. حضرت هم به هرکسی یک استدلال یا یک جور جوابی می‌دهند. خب، چرا از حضرت این قدر سؤال می‌کنند که چرا قیام نمی‌کنید؟ علتش این است که بنا بوده حضرت قیام کند؛ این را شیعه می‌دانسته، این بین شیعه مسلم بوده.

وقتی که به امام حسن مجتبی (سلام‌الله‌علیه) اعتراض کردند که چرا شما صلح کردید، از جمله حرف‌هایی که مکرراً از حضرت مجتبی نقل شده این است که می‌فرماید: «ما تَدْرِي لَعَلَّ فِتْنَةً لَكُمْ وَمَتَاعٌ إِلَى حِينٍ»؛ این [کار] یک زمان دارد، یک آمد دارد، یک سرآمد دارد. شما چه می‌دانید؟ یعنی این وعده است. آن وقت در روایت امام این وعده مشخص شده؛ در روایت است: «إِنَّ اللَّهَ جَعَلَ هَذَا الْأَمْرَ سِتْرَةً لِسَبْعِينَ أُمَّةً مِنْكُمْ»؛ این ۷۰ قیام انجام بگیرد و حکومت اسلامی تشکیل بشود؛ در تقدیر الهی این بوده که این کار انجام بگیرد. بعد می‌فرماید: «فَلَمَّا قُتِلَ الْحُسَيْنُ عَلَيْهِ السَّلَامُ اشْتَدَّ غَضَبُ اللَّهِ عَلَى أَهْلِ الْأَرْضِ فَأَخْرَجَهُ»؛ وقتی در سال ۶۱- محرم ۶۱- حضرت به شهادت رسیدند، این کار عقب افتاد؛ این [کار] بنا بود سال ۷۰ انجام بگیرد، [اما] به خاطر شهادت سیدالشهدا و عوامل بیرونی‌ای که طبعاً مترتب بر این معنا می‌شد، این کار عقب افتاد. حالا در تعبیر روایت، «اشْتَدَّ غَضَبُ اللَّهِ عَلَى أَهْلِ الْأَرْضِ» است، اما می‌دانیم که این «اشْتَدَّ غَضَبُ اللَّهِ» آنچه بر آن مترتب می‌شود، با همین عوامل ظاهری و علل و عوامل معمولی تطبیق می‌کند؛ عوامل معمولی‌اش این است، که باز در یک روایت دیگر هست که: «ارْتَدَّ النَّاسُ بَعْدَ الْحُسَيْنِ الْإِلَاقَةَ»؛ «ارْتَدَّ» نه به معنایی که از دین برگشتند، یعنی بعد از امام حسین، شیعه از این راهی که داشت می‌رفت مردد شد؛ یعنی با این وضع چه جوری می‌شود رفت؛ مگر سه نفر؛ یحیی بن ام‌طویل او دو نفر دیگر؛ سه نفر بیشتر نماندند. حضرت صادق می‌فرماید: «لَمْ يَنْتَبِهُ إِلَّا النَّاسُ لِحَقْوِهَا وَكَثُرُوا»؛ ۳۰ سال زحمت امام سجاد و بعد حضرت باقر، نتیجه‌اش این شده که این [تعداد] بیشتر شد.

خب بعد در [ادامه] همان روایتی که داشتم می‌خواندم، خدای متعال آن امر حکومت را که سال ۷۰ قرار بود اتفاق بیفتد، به تأخیر انداخت به سال ۱۴۰؛ «فَأَخْرَجَهُ إِلَى آزَمِينَ وَ بَاتَهُ»؛ سال ۱۴۰، سال زندگی امام صادق است دیگر؛ حضرت [سال] ۱۴۸ از دنیا رفتند. این [مطلب] بین شیعه، بین

رهبر انقلاب در بازدید از نمایشگاه بین‌المللی کتاب تهران عنوان کردند

هیچ چیز جای کتاب را نمی‌گیرد

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای رهبر معظم انقلاب اسلامی صبح دیروز دوشنبه با حضور در سی و پنجمین نمایشگاه بین‌المللی کتاب تهران به مدت ۳ ساعت از غرفه‌های مختلف کتاب بازدید کردند. رهبر انقلاب در این بازدید ضمن گفت‌وگو با ناشران، نویسندگان و صاحبان غرفه‌های کتاب، از نزدیک در جریان تازه‌های نشر و وضعیت بازار کتاب و همچنین میزان استقبال از نمایشگاه قرار گرفتند.

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای پس از بازدید از نمایشگاه کتاب در مصاحبه‌ای، انگیزه خود از چنین بازدیدی را در درجه اول میل شخصی و علاقه به کتاب برشمردند و افزودند: «یکی دیگر از دلایل بازدید از نمایشگاه کتاب، زمینه‌سازی برای ترویج کتاب و کتابخوانی است.» ایشان گفتند: «اعتقاد من این است که همه آحاد مردم در طبقات مختلف سنی و علمی نیازمند به کتاب هستند و هیچ چیزی نمی‌تواند جای کتاب را بگیرد.» رهبر انقلاب اسلامی با اشاره به تأثیر فضای مجازی بر موضوع کتابخوانی، خاطرنشان کردند: «بنا بر فضای مجازی جای کتابخوانی را بگیرد و کتاب باید همواره در سبب خرید و در مجموعه اوقات مردم جای خاص خود را داشته باشد.» حضرت آیت‌الله خامنه‌ای با تأکید بر اینکه مسئولان وزارت ارشاد و سازمان تبلیغات اسلامی باید به کسانی که در کار نشر و تولید کتاب فعال هستند کمک کنند، افزودند: «البته در این بخش کمک‌هایی می‌شود و این روند باید ادامه یابد اما کار مهم دیگر این است که فعالان فضای مجازی، ترویج کتاب و کتابخوانی را از جمله وظایف خود بدانند.» ایشان تأکید کردند: «فعالان فضای مجازی کتاب‌های خوبی را که در زمینه‌های مختلف علمی، ادبیات، تاریخ، هنر، مسائل دینی و اعتقادی و در یک کلام «کتاب‌های مفید» را معرفی و ترویج کنند. رهبر انقلاب اسلامی به چند نکته قابل توجه در نمایشگاه کتاب امسال نیز اشاره کردند. حضرت آیت‌الله خامنه‌ای گفتند: «افزایش کارهای جدید، افزایش شمارگان کتاب‌ها و تجدید چاپ مکرر برخی کتاب‌ها از خبرهای خوب نمایشگاه امسال است.»

بخش پایانی سخنان رهبر انقلاب یک توصیه مهم به مسئولان و دستگاه‌هایی بود که با نوجوانان و جوانان سروکار دارند. حضرت آیت‌الله خامنه‌ای گفتند: «دستگاه‌هایی همچون وزارت ارشاد، سازمان تبلیغات و حوزه هنری باید در زمینه تولید کتاب مناسب برای نسل جوان و «وزارت آموزش و پرورش» و «وزارت علوم» نیز باید در زمینه ترویج کتابخوانی میان نوجوانان و جوانان بیش از پیش تلاش کنند تا هم زمینه کتابخوانی فراهم شود و هم کتاب خوب در اختیار آنان قرار گیرد.»

ایشان یکی از نیازهای جدی برای نسل جوان را تولید کتاب در زمینه شرح قضایا و حوادث گوناگون دانستند و افزودند: «در زمینه قضایی همچون مشروطیت، دفاع مقدس، انقلاب اسلامی و شخصیت برجسته و کم‌نظیری همچون امام (ره) یا کتاب مناسب وجود ندارد و یا کتاب «خواندن» بسیار کم است که باید در این موضوعات تولید کتاب مناسب برای نسل جوان انجام گیرد.»

خواص شیعه گفته می‌شده، تکرار می‌شده. بعد البته حضرت علت اینکه تأخیر افتاد را بعد از همین روایت ذکر می‌کنند که این جور می‌شد که تأخیر افتاد. لذا شما می‌بینید - این در روایت هست - که زواره - که خب دیگر جزء نزدیک‌ترین‌ها است؛ زواره در کوفه است؛ می‌دانید اهل کوفه است؛ ساکن کوفه بود - یک پیام می‌دهد به حضرت، یک نامه‌ای می‌نویسد به حضرت صادق (علیه السلام) و می‌گوید که یک نفر از دوستان ما از مردم، یعنی از شیعه، اینجا دچار گرفتاری قرض شده و حکومت می‌خواهد این را دستگیر کند به خاطر مدیون شدنش، به خاطر قرض سنگینی که دارد.

این [فرد] الان مدتی است فرار کرده؛ از زن و بچه‌اش دور شده و فرار کرده و آواره است برای اینکه نتوانند دستگیرش کنند. [زواره می‌نویسد:] حالا من از شما سوال می‌کنم اگر «هذا الأمر» - این «هذا الأمر» در روایات زیاد تکرار می‌شود؛ یعنی همین مسأله حکومت - اگر «هذا الأمر» در همین یکی دو سال بنا است اتفاق بیفتد، بگوییم این [فرد] باشد تا وقتی که این اتفاق بیفتد و شماها بیایید سر کار و قضیه خلاص بشود؛ اما اگر قرار نیست، بنا نیست این [امر] یکی دو ساله انجام بگیرد، رقتاً جمع شوند، پول جمع کنیم و قرض این بیچاره را بدیم که بیاید سر خانه و زندگی. این را زواره سوال می‌کند؛ این شوخی نیست، زواره چرا احتمال می‌دهد که ظرف یکی دو سال بشود این کار اتفاق بیفتد؟

باز یک روایت دیگر از زواره دارد، می‌گوید: «والله لا زلی علی هذه الاعواد الا جعفرًا»؛ «اعواد» یعنی منبر، یعنی ستون‌های منبر؛ می‌گوید روی این ستون‌های منبر، من غیر از جعفر را نمی‌بینم. یعنی یقین داشته که حضرت می‌آیند روی منبر خلافت می‌نشینند؛ یعنی این [انتظار] وجود داشته. بعد خب «بِمَخْوَا اللَّهُ مَا يَشَاءُ وَ يُبَيِّتُ وَ عِنْدَهُ أُمُّ الْكِتَابِ»؛ قدر الهی این است، قضای الهی این نیست. قضای الهی، آن که قدر تثبیت شده است، آن به اصطلاح قرار قطعی شده، آن [امر] نبوده؛ به خاطر عوامل خاص و علل و عوامل این جوری. پس ائمه دنبال این قضیه بودند؛ این خیلی قضیه مهمی است.

حالا شما در این باب ببینید نقش امام رضا (علیه السلام) چیست. حالا البته من الان یادم نیست مطالب آن سخنرانی که جناب‌عالی می‌فرمایید؛ قبل از آن هم من سال اول یک پیامی فرستادم مشهد و در آن پیام، مسأله قبول ولایت‌هدی امام رضا را تحلیل کردم. یعنی گفتیم این در واقع یک مبارزه‌ای بود بین مأمون عاقل و زبیرک و بسیار باهوش، و امام رضا. مأمون اول گفت خلافت را می‌دهم؛ اول ولایت‌هدی نبود؛ گفت من خلافت را به شما می‌دهم. حضرت قبول نکردند؛ اصرار کرد؛ بعد گفت حالا که قبول نمی‌کنید، پس ولایت‌هدی [را قبول کنید]. علت اینکه مأمون این کار را کرد چه بود؟ من [در آن پیام]، چهار پنج علت و دلیل برای مأمون ذکر کردم که او به این اهداف فکر می‌کرد و دنبال این کارها را می‌کرد و چرا کرد و چه اهداف و چه قبول کردند؛ من پنج شش علت هم ذکر کردم برای اینکه حضرت چطور قبول کردند و چرا این کار را کردند و فواید این کار چه بود. یک حرکت عظیم، یک جنگ فوق‌العاده غیرنظامی، یعنی جنگ سیاسی در واقع، بین حضرت و مأمون راه افتاده و حضرت در این جنگ مأمون را خرد و خمیر کرده؛ یعنی با این کاری که کرده، منکوب کرده مأمون را؛ طوری که مأمون مجبور شده حضرت را به قتل برساند. اولاً اول که این جور نبود؛ [حضرت را] احترام می‌کردند، نماز می‌فرستادند؛ از این کارها بود دیگر. حالا آنجا من شرح دادم که مأمون چرا این کارها را می‌کرد و چرا کرد و چه اهداف و چه فوایدی در ذهنش بود؛ آن وقت ها ما هم مثل شماها که الحمدلله جوانید و حوصله دارید، حوصله داشتیم و از این کارها می‌کردیم؛ حالا که دیگر به‌کلی از این معانی دور هستیم.

بنابراین این سه بخش در زندگی حضرت امام رضا (علیه الصلاة والسلام) و بقیه ائمه باید تبیین بشود. هنر شما این است که این سه بخش را اول استخراج کنید؛ ثانیاً اینها را از زیاده‌گویی‌ها و حرف‌های غیرمتقن تخلیص کنید؛ ثالثاً که این سومی مهم‌تر از همه است؛ با زبان مناسب، با زبان روز، با زبان قابل فهم برای مخاطب غیرشیعه و حتی شیعه - چون دوری بعضی از جوان‌های خودمان هم از این معارف، کمتر از دوری غیرشیعه و غیرمسلمان نیست و اطلاعاتی ندارند - بیان کنید اینها را. به نظر من اگر این کار انجام بگیرد، فقط صرف یک گردهمایی و سخنرانی و مانند اینها دیگر نخواهد بود؛ یعنی یک فایده محسوس بر آن اتفاق می‌افتد.

والسلام علیکم ورحمة‌الله و برکاته

